

جایگاه پلیس در نظام‌های کیفری رویه قضایی، حقوق نوشته^۱ و ایران

محمدعلی مهدوی ثابت^۲، مرجان دادرسان^۳، صالح عبدی نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: در نظام‌های کیفری جهان برای پلیس، جایگاه و اختیارات خاص و معینی پیش‌بینی شده که ملهم از اصول و آموزه‌های هر نظام عدالت کیفری بوده و به طور طبیعی تفاوت‌هایی بین آن‌ها مشهود و قابل سنجش و ارزیابی بوده و شناسایی آن‌ها می‌تواند به رفع نقاط ضعف و قوت نظام کیفری کمک کند.

روش پژوهش: با توجه به موضوع نظری تحقیق، ماهیت آن کاربردی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی و ترجمه‌ای قوانین کیفری بوده و ارائه مطالب نیز توصیفی تحلیلی بوده است.

یافته‌ها: در نظام کیفری کامن لا به دلیل تبعیت از نظام اتهامی و ارتباط شبکه‌ای، پلیس اختیارات گسترده‌تری در تحقیقات مقدماتی دارد اما در نظام کیفری سیویل لا (نظام رومی ژرمنی) این اختیارات وجود نداشته و پلیس در فرآیند دادرسی ملزم به تبعیت و جلب نظر مقامات دادرسی در چارچوب ارتباط سلسله مراتبی می‌باشد؛ که این جایگاه سلسله مراتبی و تبعیت از دادرسی در نظام کیفری ایران نیز با تغییرات اندکی وجود دارد.

نتیجه‌گیری: جایگاه پلیس در نظام کیفری ایران و نحوه ارتباط آن با دستگاه قضایی از نظر نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر که در قانون تعریف شده (ارتباط سلسله مراتبی) نیازمند بازنگری بوده و اعطای برخی از اختیارات در راستای برخورد با جرایم خرد به پلیس، ضمن حفظ تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی و تمرکززدایی از مأموریت‌های پیشگیری پلیس، به تقویت جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی منتهی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پلیس، نظام کیفری کامن لا، نظام کیفری سیویل لا، نظام کیفری ایران، فرآیند دادرسی

۱ - خاستگاه این نظام کیفری به طور عمده، کشورهای فرانسه و آلمان بوده و در اصطلاح به نظام کیفری حقوق نوشته معرف هستند ولیکن در این تحقیق به دلیل اینکه در کنار نظام کیفری کامن لا بکار می‌رود از عنوان سیویل لا استفاده شده است.

۲ - استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ایران.

۳ - دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. نویسنده

مسئول (ایمیل): dadresanm@yahoo.com

۴ - دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌یابی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

بر اساس نظرات متخصصین حقوق کیفری، نظام‌های کیفری جهان معاصر غرب، معمولاً به دو گروه نظام کیفری کامن لا و نظام کیفری سیویل لا تقسیم می‌شوند. نظام کامن لا نظامی مبتنی بر عرف بوده و ابتدا در انگلستان به وجود آمده و پس از آن، مبنای کلی نظام حقوقی ایالات متحده را نیز شکل داده است. حقوق سیویل لا هم از قاره اروپا سر برآورده و امروزه در کشورهایی مثل فرانسه، آلمان و ایتالیا در حال اجرا می‌باشد.

البته برخی نظام‌های کیفری دیگر مثل اسلامی و سوسیالیستی، به آسانی در هیچ یک از این دو دسته جای نمی‌گیرند. به علاوه، با ظهور دولت‌های کمونیستی در جهان، نظام کیفری سیویل لای این کشورها، دستخوش تغییرات شگرفی شده^۱ (مهر، ۱۳۹۵: ۱۰۶) و نظام کیفری برخی کشورها به سوسیالیستی تغییر، اما پس از فروپاشی نظام‌های سیاسی کمونیستی مجدداً به حالت سابق برگشتند (عبدی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۵). از طرف دیگر جایگاه و نحوه نقش آفرینی پلیس در فرآیند دادرسی، عمیقاً ریشه در سنت‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک کشور داشته و همین امر منتج به ایجاد تنوع گسترده‌ای از نظام‌های پلیسی در کشورها و قاره‌های مختلف جهان می‌شود (چاپلیان، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

تحقیق حاضر درصدد مطالعه تطبیقی جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی در دو نظام کیفری معاصر جهان با نظام کیفری ایران بوده تا مشخص گردد چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین جایگاه پلیس در این نظام‌ها وجود دارد؛ زیرا هدف مطالعات تطبیقی،

۱- لازم به توضیح است که نظام حقوقی اسلام پس از انقلاب اسلامی در ایران پیاده‌سازی شده و در بسیاری از کشورهای آسیایی و شمال آفریقا تمام یا قسمت‌هایی از آن اجرا می‌شود و حتی نظام حقوقی اسلام در کشورهای غربی نیز تأثیرات زیادی داشته اما نمی‌توان به ضرس قاطع کشوری را در غرب نام برد که کاملاً تابع این نظام باشد.

مشخص کردن معایب، محاسن و شیوه‌های جدید قانون‌گذاری و اجرای قوانین کیفری در راستای ارتقای عدالت کیفری است (جلالی، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

همچنین پیاده نمودن یک شیوه اجرای قوانین کیفری که از کشورهای دیگر اقتباس شده است بدون توجه به وضعیت کشوری که قرار است آن وضعیت و روش در آنجا پیاده شود می‌تواند مشکلات عمده‌ای را برای سیستم تقنینی و اجرایی آن کشور فراهم نماید؛ بنابراین یکی از بخش‌های مهم مطالعات تطبیقی، تعیین و پیش‌بینی آثار اجرای پیشنهادها و راهکارها در کشور مقصد است؛^۱ که با توجه به دامنه گسترده موضوع جایگاه پلیس، به برخی از آن‌ها در این تحقیق اشاره شده است. در این تحقیق ضمن معرفی مختصر نظام کیفری کامن‌لا و رومی-ژرمنی، جایگاه پلیس در این نظام‌ها مورد بررسی قرار گرفته و با جایگاه پلیس در نظام کیفری ایران مقایسه و برخی از نقاط ضعف و قوت آن تبیین و به این سؤالات پاسخ داده شده است.

۱. جایگاه پلیس در فرآیند تحقیقات مقدماتی در نظام‌های کیفری کامن‌لا و رومی-

ژرمنی و ایران چیست؟

۲. نقاط ضعف و قوت جایگاه تعریف شده برای پلیس در این نظام‌ها با تکیه بر نظام

کیفری ایران چیست؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- به عنوان مثال؛ نهادی همانند پلیس قضایی در کشور فرانسه کمک فراوانی به کاهش اطلاع دادرسی با افزایش سرعت و دقت در فرآیند تحقیقات مقدماتی نموده اما همین نهاد در کشور ایران حتی در مرحله تهیه و تصویب لایحه تشکیل پلیس قضایی با طرح سلاقی مختلف و دیدگاه‌های متنوع تاکنون منتج به نتیجه نشده است لذا نهادی که بر روی کاغذ باعث بروز این همه اختلاف نظر بین پلیس و دستگاه قضایی و حتی قوه مجریه و مقننه شده است اگر بدون در نظر گرفتن همه تبعات آن پیاده‌سازی شود مشکلات اجرایی زیادی را به دنبال خواهد داشت.

مبانی نظری

هرچند نظام‌های کیفری کامن لا و سیویل لا به عنوان نظام‌های بزرگ کیفری جهان، به طور عموم شناخته شده هستند اما توضیح خاستگاه و ساختار این نظام‌های کیفری می‌تواند به درک بهتر نحوه شکل‌گیری جایگاه پلیس در این نظام‌ها کمک نماید.

نظام کیفری کامن لا^۱، اساساً حقوق ساخته دست قضاوت بوده و با قوانین مصوب قوه مقننه در سایر کشورها قابل تمایز می‌باشد قاضی در این نظام، به هنگام طرح دعوی جدید به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوی‌های رسیدگی شده قبلی پرداخته و در صورت شباهت، حکم مشابه صادر می‌نماید. این رویه پیروی از آرای گذشته (بگذار حکم جاری شود^۲) نام دارد. کامن لا پایه نظام‌های کیفری برخی از کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان بوده و به جهت مشترک بودن این نظام برای همه بخش‌های انگلستان و ولز آن را کامن لا می‌نامند^۳ (شیدائیان، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

نظام کیفری سیویل لا (رومی-ژرمنی)، برخلاف نظام کیفری کامن لا، در این نظام که به «حقوق نوشته» معروف است، مبنای تصمیم‌گیری قضاوت، قوانین مدون بوده و استناد به عرف به صورت محدود صورت می‌گیرد به این صورت که قاضی دادگاه ممکن است بر مبنای عرف و عادت حکم دهد، لکن این عرف و عادت با عرف و سابقه در نظام کیفری کامن لا فرق دارد. در نظام سیویل لا، ارجاع به عرف به موجب قانون

1 - Common law

2 - stare decisis

۳ - حدود نیمی از نظام‌های کیفری کنونی جهان که اکثراً کشورهای انگلیسی زبان می‌باشند از نظام کیفری این کشور الگوبرداری کرده‌اند. کشورهایی که تابع این نظام هستند عبارت‌اند از: ایالات متحده آمریکا، مالتی، سنگاپور، بنگلادش، پاکستان، سری لانکا، هند، کامرون، کانادا، ایرلند، نیوزلند، آفریقای جنوبی، زیمبابوه، هنگ کنگ و استرالیا.

است؛ یعنی نص قانون باید آن را تجویز کند؛ بنابراین در حقوق سیویل لا هنگامی عرف به عنوان دومین منبع مهم حقوق مطرح است که قانون مدون وجود نداشته باشد، چنین عرفی باید با قدرت سیاسی^۱ یا نیروی الزام‌آور^۲ همراه باشد. بدین گونه سرشت و ماهیت عرف تا هنگامی که دادگاه‌ها قانونی بودن و نیروی الزام‌آور آن را تعیین نکرده‌اند از نظر حقوقی بی‌ارزش است^۳ (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

جایگاه پلیس از نظر نحوه تعامل با دستگاه قضایی در نظام‌های کیفری

بر اساس جایگاهی که برای پلیس در نظام‌های کیفری مختلف و کشورهای تابع آن ترسیم می‌شود مدل‌های مختلفی قابل ارائه بوده که از بین آن‌ها دو مدل زیر اهمیت بیشتری نسبت به بقیه دارند.

جایگاه غیر سلسله مراتبی میان دادسرا و پلیس (مدل ارتباط افقی یا شبکه‌ای)
در نظام کیفری کامن‌لا، پلیس به عنوان نهادی نیمه مستقل از دستگاه قضایی و با اختیارات زیادی در رابطه با برخورد با جرایم و نقش‌های متنوع در فرآیند دادرسی و تعقیب متهمین تعریف شده است. در برخی از کشورهای دارای این نظام^۴، جایگاه پلیس تا به آنجا ارتقاء می‌یابد که حتی در مقام صدور کیفرخواست در جرایم کم‌اهمیت برآمده و این اجازه به پلیس داده می‌شود تا با تصمیماتی که به اطلاع مقام قضایی می‌رسد؛ از ورود جرایم کم‌اهمیت به دادسرا جلوگیری کند. اختیار گسترده و آغازین پلیس، اختیار محدود و ثانویه دادسرا و روابط افقی، از مشخصه‌های این جایگاه است (مهدوی ثابت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۳).

1 - Opinio Juris

2 - Opinio necessitatis

۳ - برخی از کشورهای دارای حقوق سیویل لا عبارت‌اند از: زئیر، رواندا، بوروندی، سومالی، جزیره موریس،

جزایر سیشل، ترکیه، عراق، اردن، ایران (مختلط)

۴ - همانند پلیس انگلستان.

جایگاه سلسله مراتبی میان دادسرا و پلیس (مدل ارتباط عمودی یا تک‌بعدی)
 در نظام تفتیشی که در آن سلسله‌مراتب میان دادسرا و پلیس به وجود آمده، پلیس اختیارات کمی در تصمیم‌سازی برای انجام تحقیقات مقدماتی داشته و تنها اختیاری که در این نظام‌ها برای پلیس در نظر گرفته شده، حق انجام اقدامات لازم در جرایم مشهود، در راستای جلوگیری از فرار متهم و از بین رفتن ادله جرم می‌باشد. در چنین نظام‌هایی، در جهت حفظ حقوق شهروندی و کاهش احتمال نقض آن از سوی پلیس، اختیاراتی همانند تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب مجرمین و متخلفین حتی در جرایم کم‌اهمیت نیز به پلیس داده نمی‌شود.^۱

پیشینه پژوهش

در خصوص جایگاه پلیس در نظام‌های کیفری مختلف جهان، تحقیقات متعددی صورت پذیرفته و معمولاً هر محققی به تناسب تخصص خود، از زاویه دید خاصی به این موضوع نگاه کرده و یکی از جنبه‌های آن را مورد بررسی قرار داده است.^۲ معمولاً در مطالعات تطبیقی قبلی تنها به جایگاه پلیس در یکی از وظایف و مأموریت‌های دستگاه قضایی پرداخته شده است در حالی که در این تحقیق نگاهی کلی به جایگاه پلیس در نظام‌های کیفری انجام می‌شود. برخی از پیشینه‌ها عبارت‌اند از:

۱- در واقع جایگاه پلیس ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که در آن به مقامات قضایی مجوز تعیین ارزش گزارش ضابطین دادگستری بر اساس قضاوت شخصی خود و اختیار رد آن بدون استناد به دلایل برخلاف آن اشاره شده بود به این سمت و سو گرایش داشت.

۲- لازم به توضیح است که معمولاً مطالعات تطبیقی در خصوص جایگاه پلیس در نظام‌های کیفری مختلف جهان، توسط محققین ایرانی صورت پذیرفته و محققین سایر کشورهای جهان به خصوص کشورهای غربی تحقیقات و مطالعات تطبیقی برای تطبیق نظام‌های کیفری کشور خود با ایران انجام نداده و در اندک مواردی که محقق آن‌ها را مورد بررسی قرار داد مشخص گردید مبنای این نوع مطالعات تطبیقی بیشتر جنبه رعایت حقوق شهروندی را داشته است.

جافریان (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «مقایسه اختیارات دادستان در حقوق ایران و انگلیس و فرانسه» به بررسی جایگاه و نقش دادستان در نظام‌های حقوقی این کشورها پرداخته و یکی از مواردی که به آن توجه داشته تعامل بین دادسرا و پلیس در فرآیندهای جزایی بوده است.

یکرنگی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان» به مطالعه تطبیقی اختیارات پلیس در این دو کشور پرداخته و به این نتیجه رسیده که در نظام کیفری انگلستان، جایگاه پلیس به صورت غیر سلسله مراتبی با دادسرا قرار دارد.

عابد (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «مجریان عدالت کیفری در نظام حقوقی انگلستان» به بررسی جایگاه پلیس در نظام حقوقی انگلستان پرداخته و جایگاه پلیس را در مراحل مختلف یک فرآیند جزایی در این نظام مورد مطالعه قرار داده است.

رحیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی نقش ضابطان در فرآیند دادرسی کیفری ایران و فرانسه» به بررسی جایگاه ضابطین دادگستری در این دو کشور که تقریباً از یک نظام کیفری مشابه در زمینه به کارگیری پلیس در فرآیند دادرسی تبعیت می‌کنند پرداخته است.

یافته‌های تحقیقات قبلی نشان می‌دهد جایگاه پلیس در فرآیند دادرسی ایران به خصوص تحقیقات مقدماتی مشکلاتی را برای پلیس و شهروندان به وجود آورده و ارتقای جایگاه پلیس در قوانین اخیر با بهره‌گیری از نقاط قوت سایر نظام‌های کیفری، می‌تواند به رفع این مشکلات کمک کند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی اسنادی می‌باشد که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به مستندات قانونی و ترجمه قوانین و رویه‌های

کشورهای دارای نظام کیفری کامن لا و رومی ژرمنی و مقالاتی که به بخش‌هایی از این فرآیند اشاره نموده بودند انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

شروع فرآیند دادرسی، مستلزم انجام تحقیقات مقدماتی است. فرآیند تحقیقات مقدماتی یک اقدام نبوده و مجموعه‌ای از اقدامات است که توسط پلیس و دستگاه قضایی به صورت به هم پیوسته باید انجام و منتهی به جمع‌آوری ادله جرم و شناسایی متهمین گردد.

جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در کشورهای تابع نظام کیفری کامن لا چیست؟

در نظام کیفری کامن لا ترتیب خاصی برای انجام تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی شده ولی در کشورهای تابع این نظام معمولاً تفاوت‌های محسوسی در این زمینه مشاهده می‌شود. در نظام حقوقی امریکا به عنوان یکی از کشورهای تابع نظام کیفری کامن لا، مقامی به نام بازپرس همانند کشور انگلستان وجود ندارد. (کلارک^۱، ۲۰۱۶: ۴) و در صورت دستگیری متهم، پلیس باید بلافاصله و بدون تأخیر غیرموجه، او را نزد قاضی دادگاه بدوی حاضر نماید.

وظیفه پلیس در انگلستان از زمان کشف جرم شروع می‌شود و مأموران پلیس در این کشور، پیش از شروع به تعقیب، مسئول تحقیق و تحصیل دلایل در خصوص جرم مذکور می‌باشند بنابراین وظیفه پلیس در انگلستان همانند وظیفه یک امور تحقیق در نظام عدالت کیفری است (عابد، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

در این کشور که نمونه بارز نظام کیفری کامن لا می‌باشد، پلیس در برخی شرایط و اوضاع و احوال و در دسته‌ای از جرایم می‌تواند صرفاً با صدور یک اخطار، پرونده را مختومه نماید و وزارت کشور انگلستان با صدور بخشنامه‌هایی تلاش دارد تا پلیس را

ترغیب کند که از طریق اخطار، قضا زدایی را افزایش داده و استفاده از تعقیب کیفری رسمی را کاهش دهد (جافریان، ۱۳۹۵: ۲۱).

جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در کشورهای تابع نظام کیفری سیویل لا

در فرانسه به عنوان مهم‌ترین کشور تابع نظام کیفری سیویل لا، افسران پلیس قضایی شخصاً یا بر اساس تعلیمات دادستان، نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی اقدام می‌کنند و این اقدامات تحت نظارت دادستان انجام می‌گیرد. در صورتی که دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به افسران پلیس قضایی محول کند، مهلت مشخصی را تعیین نموده و در صورتی که افسران پلیس رأساً تحقیقات مقدماتی را آغاز نموده باشند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ شروع آن گزارش نحوه پیشرفت کار را در اختیار دادستان قرار دهند. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلیس قضایی به عنوان نهادی که دارای ماهیت دوگانه پلیسی و قضایی می‌باشد در کلیه جرایم وظیفه تحقیقات مقدماتی را بر عهده دارد. همچنین مقامات قضایی همانند بازپرس ویژه قتل، در اداره پلیس استقرار دارند و در بسیاری از موارد همراه با مأموران پلیس در صحنه جرم حاضر می‌شوند و مقامات پلیس دارای تجربه و تحصیلات حقوقی می‌توانند ارتقاء پیدا کرده و به عنوان مقام قضایی در دستگاه قضایی فعالیت نمایند که این افراد به دلیل پیشینه خدمتی در سازمان پلیس و آشنایی به خرده فرهنگ سازمانی تعامل بهتری با مأموران پلیس در تحقیقات مقدماتی دارند (فروغی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری ایران (مختلط)

در ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ایران عنوان شده که: «(تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است)» لذا از نظر قانون، تحقیقات مقدماتی کلیه

جرائم بر عهده بازپرس بوده و اسمی از پلیس و سایر ضابطین به عنوان نهاد دارای مسئولیت اصلی در فرآیند تحقیقات مقدماتی به میان نمی‌آید^۱

نقاط ضعف و قوت جایگاه پلیس در فرآیند تحقیقات مقدماتی در نظام‌های کیفری مورد تطبیق

با توجه به نگرش‌ها و نوع نظام حقوقی، سازمان‌های پلیس در هر سه نظام کیفری مورد مطالعه از نظر جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی و نحوه انجام آن، دارای مشکلاتی هستند که مهم‌ترین آن‌ها در این قسمت به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ضعف تعامل اثربخش بین پلیس و دادسرا در نظام کیفری سیویل لا و ایران

تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی معمولاً در چارچوب آیین دادرسی کیفری صورت می‌گیرد. همان‌گونه که در جدول (۱) مشخص شده است در نظام کیفری سیویل لا و ایران، این نوع تعامل به دلیل جایگاه قانونی که دارد بیشتر از اینکه تعامل باشد موضوع ضابط مقام قضایی بودن پلیس را مطرح می‌کند و به همین دلیل برخی از حقوقدانان معتقدند در این نوع نظام‌های کیفری به جای تعامل باید از تبعیت پلیس از مقام قضایی صحبت شود (عبدی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹۰)؛ اما برابر جدول شماره یک، در نظام کیفری کامن لا، به دلیل افقی بودن ارتباط و مستقل بودن پلیس، به جای تبعیت پلیس از دادسرا، موضوع تعامل بین این دو نهاد مطرح می‌شود و حتی در برخی موارد همانند تصمیم در خصوص قرار دادن پرونده در فرآیند تعقیب، دادسرا به دنبال جلب نظر پلیس می‌باشد.

در پاسخ به کسانی که معتقد به تبعیت مطلق پلیس از دادسرا هستند می‌توان گفت که حتی وظایف قانونی نیز برای اینکه در سطح قابل قبولی انجام بگیرند به ناچار باید

۱- به همین دلیل در گذشته از بازپرس به نام قاضی تحقیق در بسیاری از کتب اسم برده شده و حتی در حال حاضر نیز در برخی از کشورها به همین نام معروف است. (رجوع شود به جلد اول کتاب آیین دادرسی کیفری دکتر محمد آخوندی)

آمیخته‌ای از تعامل و همکاری داشته باشند. به‌عنوان مثال بازجویی یکی از ابزارهای تحقیقات مقدماتی است که زمان و انرژی فراوانی از پلیس می‌برد و در صورت انجام صحیح، نتایج خوبی در پرونده منعکس می‌نماید اما بازجویی از چه کسی باید صورت پذیرد؟ اگر مقام قضایی در چارچوب اختیارات خود دستور بازجویی از فردی را بدهد که به نظر پلیس به هیچ‌عنوان در مظان اتهام قرار ندارد و پس از اخذ توضیحات پلیس همچنان در نظرات خود مبنی بر بازجویی اصرار ورزد تقابل بین پلیس و دستگاه قضایی جایگزین تعامل می‌شود (گلدوست، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

جدول ۱- جایگاه پلیس در فرآیند تحقیقات مقدماتی در نظام‌های کیفری کامن لا، سیویل لا و

ایران

مشخصه	نظام کیفری کامن لا	نظام کیفری سیویل لا	نظام کیفری ایران
دریافت و ثبت شکایت	مکلف به دریافت شکایت بوده ولیکن دارای اختیار در تصمیم‌گیری در خصوص ثبت یا عدم ثبت آن است.	مکلف به دریافت و ثبت شکایت توسط پلیس قضایی و ارسال به دادسرا با اعلام نظر می‌باشد.	مکلف به دریافت و ثبت و اجرای دستورات صادره از دادسرا می‌باشد.
امکان اخذ تأمین از متهم	در مرحله تحقیقات مقدماتی از اختیارات پلیس است.	برخی مواقع به پلیس قضایی تفویض می‌شود	توسط پلیس ممنوع است و امکان تفویض ندارد.
تصمیم‌گیری برای تعقیب	پلیس اختیار تصمیم‌گیری در خصوص عدم تعقیب برخی از جرایم کم‌اهمیت و تخلفات کوچک و بایگانی پرونده یا ارسال آن به دادسرا دارد.	فقدان اختیار پلیس برای تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب یا عدم تعقیب پرونده اما امکان اخطار و بایگانی پرونده و اعلام آن به دادسرا وجود دارد.	فقدان اختیار پلیس برای تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب یا عدم تعقیب پرونده به نحوی که جرایم کم‌اهمیت نیز باید منتهی به تشکیل پرونده شود.
مسئولیت تحقیقات مقدماتی	مسئولیت کامل تحقیقات مقدماتی بر عهده پلیس	دادستان و بازپرس مسئول تحقیقات	بازپرس مسئول تحقیقات مقدماتی بوده

بوده و دادسرا فقط می‌تواند توصیه به برخی تحقیقات نماید.	مقاماتی بوده و از طریق پلیس قضایی آن را انجام می‌دهد.	و ضابطین دادگستری مکلف به اجرای دستورات هستند.
روابط بین پلیس و دادسرا	افتی - شبکه‌ای	عمودی - سلسله مراتبی
طرح دعوی در دادگاه	توسط دادستان و پلیس به صورت مشارکتی و با همکاری هم انجام می‌شود	توسط دادستان با حضور پلیس برای ارائه ادله انجام می‌شود
اجرای احکام کیفری	توسط پلیس بر مبنای رأی دادگاه انجام می‌شود.	توسط دادستان با همکاری پلیس ضابط دادگستری انجام می‌شود
رسیدگی به جرایم و تخلفات پلیس	با اعلام جرم توسط نهاد نظارتی پلیس، در کمیسیون مستقل رسیدگی به جرایم پلیس انجام می‌شود.	با اعلام جرم دادستان یا سایر مقامات قضایی، در دادگاه عمومی با حضور نماینده، رسیدگی می‌شود

تغییر مداوم قوانین مرتبط با جایگاه پلیس در نظام کیفری ایران

برخی از آسیب‌های مرتبط با جایگاه پلیس در فرآیند دادرسی به نحوه قانون‌گذاری در خصوص اختیارات پلیس و تعریف نقش او در آیین دادرسی کیفری مربوط می‌شود. قوانین مربوط به ضابط بودن پلیس در ایران به خصوص پس از انقلاب اسلامی به دفعات، دستخوش تغییر شده و در نتیجه جایگاه پلیس در فرآیند کیفری را تحت تأثیر قرار داده است. هرچند هدف تغییرات بر این بوده که مشکلات و موانع دادرسی عادلانه برطرف و جایگاه پلیس در فرآیند دادرسی اصلاح گردد لیکن در برخی از موارد تدوین مقررات جدید یا حذف و ایجاد نهادهایی همانند پلیس قضایی مشکل‌ساز بوده (تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۶۲)؛ اما برخی از مشکلات مربوط به جایگاه پلیس همانند ارزش

گزارش پلیس و یا تعیین دقیق ضابطین عام و خاص دادگستری، در اصلاحات سال‌های اخیر، حل و فصل شده^۱ است.

اقرار محور بودن تحقیقات پلیسی در نظام‌های کیفری تفتیشی

اصل بر این است که اقرار به عنوان یکی از دلایل در کنار سایر ادله اثبات مورد استفاده قرار گیرد اما تأکید بیش از اندازه بر اخذ اقرار از متهم با حقوق شهروندی همخوانی ندارد (فلاح، ۱۳۹۱: ۷۵). بر اساس قانون، پلیس مکلف شده تا حق سکوت متهم در هنگام دستگیری را به او یادآوری نماید. برخی از مأموران پلیس بر این اعتقاد هستند اقراری که بدون وقفه زمانی توسط پلیس در بازجویی مقدماتی از متهم اخذ می‌شود به نوعی بیان مطلب و کاشف از واقعیت است؛ و اگر حق سکوت متهم به وی گوشزد شود؛ ممکن است متهم در فاصله زمانی دستگیری تا تحویل به دادگاه در اثر ملاقات با وکیل و یا اطرافیان اتهام وارد شده را انکار کند که این دیدگاه به دلیل تداخل و نقض حقوق شهروندی مردود می‌باشد (عبدی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

پویا نبودن مدل‌های مورد استفاده در دستگاه قضایی برای ارتباط بین پلیس و

دادسرا

در قانون آیین دادرسی کیفری به صورت مطلق، نظارت و ریاست و حتی آموزش پلیس در موارد ضابطیت بر عهده دادستان قرار داده شده و این رابطه از نظر قانونی چالشی به همراه ندارد اما از نظر اجرایی در برخی موارد منتهی به چالش می‌شود؛ زیرا ممکن است نحوه رفتار مقام قضایی با پلیس تحت تأثیر نگاه ریاستی صورت بگیرد بنابراین یک نفر دادیار تازه استخدام شده بر یک رئیس کلانتری که دارای سنوات

۱- ارزش گزارش ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از اماره قضایی به اماره قانونی ارتقاء پیدا کرده است.

خدمت و تجربه می‌باشد ریاست و نظارت داشته^۱ و ممکن است در صدور دستورات به تجربیات و نظرات تخصصی مأمور توجه نکند این شروع یک تعارض به جای تعامل می‌باشد.

در کشور فرانسه که از نظام سیویل لا تبعیت می‌کند، با طبقه‌بندی ضابطین دادگستری، این امکان فراهم شده تا ارزش و اعتبار سال‌ها تجربه ضابطین دادگستری حفظ شده و در فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها و دادرسی مورد استفاده قرار گیرد اما در نظام کیفری ایران این تفکیک وجود نداشته و مأموران پلیس بدون طبقه‌بندی و به صورت کلی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند (رضائی فرد، ۱۳۹۴:۱۳).

چالش‌های مرتبط با ارزش گزارش ضابطین دادگستری در قانون آیین

دادرسی کیفری

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ایران، گزارش ضابط ارزش اماره قضائی داشته و در صورتی دارای اعتبار بود که مورد وثوق مقام قضائی باشد؛ بنابراین گزارش مأموران پلیس را به خودی خود دارای اعتبار ندانسته و رد اعتبار آن از طرف مقامات قضایی را نیازمند استدلال نمی‌دانست؛ اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ارتقای ارزش استنادی گزارش ضابط مورد توجه قرار گرفت به این صورت که در قانون سابق دو شرط موثق بودن و مورد اعتماد بودن برای گزارش ضابطین پیش‌بینی شده بود، ولی در قانون فعلی، مقام قضایی باید با دلیل ثابت کند که گزارش ضابطین درست نیست و می‌توان گفت که ارزش اثباتی گزارش ضابط از اماره قضایی در حد اماره قانونی ارتقاء یافته است (وروایی، ۱۳۹۴:۲۱).

^۱ - این مشکل تا حدود زیادی با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید برطرف شده به این صورت که احراز عنوان ضابطیت دادگستری مستلزم دریافت کارت ضابطیت از دستگاه قضایی بوده و کسانی که دارای کارت ضابطیت نباشند نمی‌توانند در امور مربوط به ضابطیت دخالت کنند و همچنین مقامات قضایی نیز در صورتی که امور مربوط به ضابطین دادگستری را به افراد غیر ضابط ارجاع دهند با محکومیت انتظامی مواجه می‌شوند.

انحلال پلیس قضایی بدون توجه به تبعات آن

اصطلاح پلیس قضایی^۱ مربوط به نظام کیفری سیویل لا و کشور فرانسه بود که پس از انقلاب اسلامی در ایران سازماندهی گردید. هدف از تأسیس آن، محول نمودن امور شروع پرونده‌های کیفری به افراد متخصص و آموزش دیده بود که تحقق پیدا نکرده و با تصویب قانون ادغام نیروهای چهارگانه^۲ منحل شد برابر جدول (۲) انحلال پلیس قضایی (همان گونه که چند سال بعد مشخص گردید) یکی از چالش‌های فرآیند دادرسی در ایران را به وجود آورد (احمدی آهنگرانی، ۱۳۹۰: ۴۵).

محدود بودن وظایف پلیس در نظام کیفری کامن لا و سیویل لا به امور جنایی و قضایی

در اکثر کشورهای داری نظام کیفری کامن لا، پلیس در قالب یک شغل صنفی اقدام به انجام مأموریت نموده و حتی دارای اتحادیه اصناف نیز می‌باشد اما در قانون تشکیل نیروی انتظامی قانون‌گذار برای پلیس ۲۶ مأموریت پیش‌بینی کرده و به همین خاطر، پلیس از وظایف ذاتی خود فراتر رفته و در بسیاری از موارد به دلیل اینکه جزو نیروهای مسلح محسوب می‌گردد بیشتر انرژی سازمانی، در اموری که جدای از وظایف پلیس قضایی است همانند مرزبانی یا راهنمایی و رانندگی که می‌تواند توسط ارتش و شهرداری انجام پذیرد صرف می‌شود (وروایی، ۱۳۹۵: ۲۱۴).

اتخاذ شیوه‌های جدید برای رسیدگی به جرایم پلیس در نظام کیفری کامن لا
با اینکه مجازات مأمورانی که در نتیجه تیراندازی غیرمجاز، شهروند بی‌گناه را به قتل می‌رسانند، بازدارندگی عمومی و آموزش هنجارهای اساسی جامعه را در پی دارد؛ اما

۱ - مترادف اصطلاح پلیس قضایی، اصطلاح دیگری به نام پلیس جنایی است که در کشورهای اروپایی دیگر مانند آلمان و اتریش و همچنین در تمام کشورهای پیرو نظام حقوقی انگلوساکسون به کار می‌رود.
۲ - شهربانی، ژاندارمری، کمیته‌های انقلاب اسلامی و پلیس قضایی چهار نهادی بودند که از ادغام آن‌ها در سال ۱۳۷۰ نیروی انتظامی در ایران تشکیل شد.

در کشور انگلستان، کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات علیه پلیس، به تیراندازی‌های غیرمجاز پلیس با دیدگاه حمایتی و با در نظر گرفتن نظرات کارشناسان بی‌طرف رسیدگی کرده و این امر از حیث بی‌طرفی مقام رسیدگی کننده مطلوب می‌باشد (موسوی مقدم، ۱۳۹۱:۲۳۱).

استفاده از کارکنان وظیفه در امور قضایی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها

وقتی که مجموعه وظایف و مأموریت‌های حساس و مهم محول شده به یک سازمان، بیش از میزان نیروی انسانی و ظرفیت‌های آن سازمان در انجام این وظایف و مأموریت‌ها باشد آن دسته از قوانین کیفری را که از نظر آنان در درجه اهمیت و ضرورت بالایی قرار دارد و عدم اجرای آن‌ها دارای عواقب وخیم برای خود مأموران و همچنین شهروندان می‌باشد را در اولویت اول قرار خواهند داد (دعاگویان، ۱۳۹۰:۴۵۳).

در نظام‌های کیفری، پلیس غیرتخصصی معنایی ندارد اما در نظام کیفری ایران هنوز هم از پلیس غیرتخصصی استفاده می‌شود. با وجود اینکه برابر قانون، کارکنان وظیفه^۱ ضابط محسوب نمی‌شوند اما به دلیل کمبود نیرو، برخی مأموریت‌ها به آن‌ها سپرده شده درحالی که دارای تجربه و تعهد کافی نیستند و این وضع در برخی مواقع تا جایی پیش می‌رود که مسئولان پلیس مجبور به واکنش می‌شوند. به عنوان مثال طرح ممانعت از صدور برگ جریمه به وسیله افسران وظیفه یکی از این عکس‌العمل‌های مسئولان در قبال عدم کارایی این پرسنل می‌باشد.

^۱ - پرسنل وظیفه به کارکنانی اطلاق می‌گردد که برای انجام خدمت دوره ضرورت بنا به قانون خدمت وظیفه عمومی در اختیار پلیس قرار می‌گیرند و رابطه استخدامی با سازمان پلیس ندارند

جدول ۲- نقاط قوت و ضعف جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی در نظام‌های کیفری کامن لا،

سیویل لا و ایران

تقسیم‌بندی	نظام کیفری کامن لا	نظام کیفری سیویل لا	نظام کیفری ایران
نقاط قوت	استقلال پلیس، باعث پویایی و خلاقیت در تحقیقات مقدماتی شده و آن را تقویت می‌کند.	وجود پلیس قضایی تا حدودی پویایی پلیس را حفظ کرده است.	پویایی و خلاقیت پلیس منوط به میزان اختیارات محوله از مقام قضایی دارد.
	با تثبیت جایگاه پلیس، بروکراسی کاهش پیدا کرده و به تبع آن اطلاع دادرسی نیز کاهش می‌یابد.	ایجاد نهاد پلیس قضایی و تعامل با دادسرا در راستای کاهش بروکراسی بوده است.	تابعیت دوگانه پلیس بروکراسی و به تبع آن به اطلاع دادرسی منجر می‌شود.
	با کاهش بروکراسی و اعطای اختیارات، شاهد کاهش هزینه‌های تحقیقات مقدماتی هستیم.	پلیس قضایی تخصصی شده و کاهش هزینه‌ها را به همراه داشته است.	اقدامات موازی در امور تحقیقات جنایی هزینه‌ها را افزایش داده است.
	با حذف مجوزهای غیرضروری، انعطاف و سرعت در تصمیم‌گیری در واکنش بر علیه جرم افزایش چشم‌گیری پیدا می‌کند	امکان اخذ مجوزها از طریق پلیس قضایی تا حدودی سرعت را افزایش می‌دهد؛ اما بروکراسی وجود دارد.	تعامل غیررسمی بین پلیس و دستگاه قضایی در افزایش سرعت مؤثر بوده ولیکن بروکراسی شدید حاکم است
	به دلیل وابستگی متقابل، تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی تبدیل به تقابل بین این دو نهاد نمی‌گردد.	تعامل رسمی و غیررسمی پذیرفته شده و در چارچوب پلیس قضایی انجام می‌شود.	بیشتر از تعامل بر تابعیت تأکید می‌شود ولی تعامل نسبی وجود دارد.
	اختیارات گسترده پلیس ممکن است در برخی موارد، غیرقابل کنترل و باعث نقض حقوق شهروندی شود	اختیارات پلیس محدود بوده و حقوق شهروندی بهتر رعایت می‌شود.	اختیارات پلیس محدود بوده و حقوق شهروندی بهتر رعایت می‌شود.
نقاط ضعف	به دلیل استقلال پلیس، درک	در سیاست‌گذاری‌های	پلیس تحت نظارت و

و شناخت متقابل در خصوص اهداف و سیاست‌های پلیس و دستگاه قضایی کافی نیست.	دستگاه قضایی، پلیس قضایی نیز مشارکت دارد و شناخت متقابل ایجاد می‌شود.	آموزش دادستان قرار داشته و با اهداف و سیاست دستگاه قضایی آشنا می‌شود
به دلیل اختیارات گسترده پلیس و استقلال آن از دادسرا، تعامل کمتری بین پلیس و دستگاه قضایی شکل می‌گیرد.	تعامل پلیس و دستگاه قضایی در چارچوب پلیس قضایی و به صورت مطلوب انجام می‌گیرد	تعامل پلیس و دستگاه قضایی به دلیل تابعیت پلیس از دادسرا، تنها به حوزه غیررسمی محدود می‌شود

بحث و نتیجه‌گیری

جایگاه پلیس در نظام‌های کیفری از مدل‌های مرتبط با سیاست جنایی کشورهای تابع آن تبعیت می‌کند بنابراین در نظام کیفری کامن لا به دلیل تکیه آن بر شیوه دادرسی اتهامی، جایگاه پلیس تحت تأثیر ارتباط شبکه‌ای میان پلیس و دستگاه قضایی قرار دارد که نتیجه آن استقلال پلیس و وابستگی متقابل بین این نهاد و دستگاه قضایی می‌باشد. برای پی بردن به محاسن و معایب جایگاه پلیس در این نظام باید به این نکته توجه داشت که در کشورهای تابع نظام کامن لا پلیس به عنوان مظهر قدرت مردم و نه حاکمیت تلقی شده و در نتیجه اعطای اختیارات وسیع به پلیس در واقع اعطای اختیارات به نمایندگان جامعه محسوب می‌شود زیرا پلیس در این کشورها از بطن مردم و توسط مردم پایه‌گذاری شده است.

از ابتدای شکل‌گیری پلیس در نظام کیفری کامن لا، اختیارات بسیار گسترده‌ای به این نهاد داده شده و تا سال‌های اخیر حتی تعقیب و طرح موضوع در دادگاه نیز با پلیس بوده است اما مستند به اصل تفکیکی مقام تعقیب از تحقیق، نهاد تعقیبی همانند دادسرا نیز در این نظام به وجود آمده ولیکن به هیچ عنوان در سلسله‌مراتب پلیس قرار نگرفته است. اعطای اختیارات گسترده به پلیس در نظام کیفری کامن لا از نظر موافقان باعث

پویایی و خلاقیت پلیس و دستگاه قضایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های کیفری و انعطاف و سرعت در تصمیم‌گیری و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای شده است اما از نظر مخالفان این امر موجب گردیده تا اختیارات پلیس بسیار گسترده و غیرقابل کنترل شود و ارتباط افقی بین پلیس و دستگاه قضایی موجب گردد که درک و شناخت کافی از وظایف و اهداف یکدیگر نداشته و با وجود اعطای اختیارات گسترده به پلیس، اختیارات محدودی به دادسرا در تعقیب تخلفات و جرایم پلیس داده شده و در نهایت این امر منتهی به تعامل حداقلی بین پلیس و دادسرا گردد.

اما در نظام کیفری سیویل لا و کشورهای تابع آن و همچنین کشورهایی مانند ایران که شاکله این نظام را در تعریف جایگاه پلیس به کار گرفته‌اند؛ پلیس در تابعیت دادسرا قرار داشته و به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دستگاه قضایی تحت عنوان ضابط دادگستری مکلف به اجرای دستورات مقام قضایی می‌باشد بنابراین پلیس اختیاری در تعقیب و کشف جرایم بدون هماهنگی با مقام قضایی نداشته و ارتباط بین پلیس و دستگاه قضایی به خصوص دادسرا به صورت سلسله‌مراتبی و عمودی و در این وضعیت پلیس مجری دستورات مقام قضایی می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به اینکه پلیس در نظام کیفری کامن لا و ایران به عنوان نماد قدرت حاکمیت محسوب می‌گردد اعطای اختیارات محدود به پلیس از دیدگاه موافقان این موضوع باعث می‌شود تا امکان هرگونه سوءاستفاده از اختیارات پلیس در برچسب‌زنی به شهروندان و شروع تعقیب کیفری از آنان گرفته شده و با تضمین حداکثری حقوق شهروندی، جان و مال و آبروی شهروندان مصون از تعرض باقی بماند اما تعیین چنین جایگاهی برای پلیس به تبع محاسنی که دارد اشکالاتی را نیز به وجود می‌آورد. تبعیت محض پلیس از دادسرا و الزام پلیس به اخذ مجوزهای قانونی، باعث بروز بروکراسی شدید در روابط بین این دو نهاد شده و ممکن است این بروکراسی ضرورت تسریع در

تعقیب برخی از مجرمین را با چالش مواجه سازد. همچنین پویایی و خلاقیت پلیس تحت الشعاع تبعیت از دادسرا قرار گرفته و پلیس نمی‌خواهد یا نمی‌تواند خلاقیتی از خود در فرآیند تحقیقات مقدماتی بروز داده و در نتیجه از نظر پیشگیری از جرم، امکان اینکه در این نظام تحت تأثیر بروکراسی و مشکلات اخذ مجوز، برخی از مجرمین از تعقیب در امان بمانند بیشتر می‌باشد.

برای تعدیل چنین وضعیتی در برخی از کشورهای تابع نظام سیویل لا همانند فرانسه، پلیس قضایی به عنوان یک پلیس تخصصی در تابعیت دادسرا و به عنوان تسهیل‌کننده ارتباط بین این دو نهاد پیش‌بینی شده و برخی از ایرادات وارده به جایگاه پلیس در نظام کیفری سیویل لا همانند غیر حرفه‌ای بودن پلیس را برطرف نموده ولیکن همین نهاد در نظام کیفری ایران تنها در یک برهه زمانی کوتاه به وجود آمده و سپس منحل گردیده که تبعات نامطلوبی بر جایگاه پلیس بر جا گذاشته و تغییرات انجام گرفته در قوانین جزایی پس از انقلاب در راستای رفع این خلاء می‌تواند گواه این ادعا باشد. لذا بهترین راهکاری که از یافته‌های این تحقیق می‌توان برداشت کرد این است که فرآیند تشکیل پلیس قضایی در ایران باید تسریع گردد و تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی به سمت تعدیل نظام سلسله‌مراتبی پیش برده شود.

تقدیر و سپاسگزاری

از همه کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری کردند از جمله اساتید محترم دانشگاه شهید بهشتی تشکر نموده و سپاسگزاری ویژه خود را تقدیم معاونت محترم پژوهش دانشگاه علوم انتظامی امین و همکاران زحمتکش در آن معاونت می‌نماییم که با صبر و حوصله ما را در انشای این مقاله و رفع ایرادات آن یاری نمودند.

منابع

۱. احمدی آهنگرانی، حسن. (۱۳۹۰). ضرورت احیای پلیس قضایی به عنوان ضابط تخصصی، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در حقوق و فرهنگ.
۲. تبریزی، صادق. (۱۳۹۶). نقش دستگاه قضایی در سیاست جنایی کشور و تأثیر آن در احقاق حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی تاکستان، ۳ (۲)، ۱۵۵-۱۷۴ قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1224277>
۳. جاپلغیان، غلام. (۱۳۹۵). ساختار پلیس؛ بررسی تطبیقی الگوهای پلیس، فصلنامه توسعه‌سازمانی پلیس، ۱۳ (۵۷): ۱۳۱ - ۱۴۲ قابل بازیابی از:
http://journals.police.ir/article_9592.html
۴. جعفریان، احمد. (۱۳۹۵). مقایسه اختیارات دادستان در حقوق ایران و انگلیس و فرانسه، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی تاکستان، ۲ (۱): ۱۷ - ۲۲ قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1183452>
۵. جلالی، محمد. (۱۳۹۴). پلیس اداری، قالبی مفهومی برای تأمین نظم عمومی، مطالعه مفهوم نظم عمومی در حقوق فرانسه، دو فصلنامه حقوق اداری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۳ (۹): ۱۳۷ - ۱۵۴ قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=350019>
۶. دعاگویان، داوود. (۱۳۹۰). بررسی نحوه تعامل پلیس با شهروندان در اجرای قوانین کیفری و فرآیند دادرسی، طرح تحقیقاتی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی.
۷. رضائی فرد، ساسان. (۱۳۹۴). بررسی سیر تحول تاریخی ارزش اثباتی گزارش مأموران نیروی انتظامی در مقام ضابطین دادگستری، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، ۲ (۵)، ۱ - ۲۲ قابل بازیابی از:
http://journals.police.ir/article_15671.html
۸. رحیمی، علی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نقش ضابطان در فرآیند دادرسی کیفری فرانسه و ایران، فصلنامه دانش انتظامی، ۶ (۱۵): ۳۹ - ۶۰ قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1183452>

۹. شیدائیان، مهدی. (۱۳۹۵). شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق

انگلستان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی، ۲۳ (۸۲): ۱۶۵ - ۱۹۷ قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/391644>

۱۰. طاهری، آزاده. (۱۳۹۵). آشنایی با تقسیم‌بندی جدید از نظام‌های حقوقی جهان، فصلنامه

اطلاع‌رسانی حقوق، ۴ (۱۱): ۱۵۴ - ۱۹۱. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/291400>

۱۱. عابد، رسول. (۱۳۹۰). فرآیند دادرسی کیفری اطفال در نظام حقوقی انگلستان و ولز،

فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۲۳ (۸۱):

۸۴ - ۱۱۲. قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/898969>

۱۲. عبدی نژاد، صالح. (۱۳۸۹). رویکرد پلیسی به چگونگی اجرای قوانین کیفری در ایران،

فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، ۵ (۲۹): ۱۱۲ -

۱۴۱. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=140782>

۱۳. عبدی نژاد، صالح. (۱۳۹۶). حق سکوت متهم در نظام تقنینی ایران با تکیه بر جرم‌یابی

توسط پلیس، فصلنامه پژوهش‌های نظم و امنیت اجتماعی پژوهشگاه علوم انتظامی، ۱۶

(۲۳): ۷۷ - ۹۲. قابل بازیابی از: http://osra.jrl.police.ir/article_9896.html

۱۴. عبدی نژاد، صالح. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم

یابی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳

(۲): ۱۸۵ - ۲۰۸. قابل بازیابی از:

<https://www.magiran.com/paper/1877127>

۱۵. فلاح، عبدالعظیم. (۱۳۹۱). میزان اعتبار گزارش ضابطین در تصمیمات قضایی، فصلنامه

تعالی حقوق قوه قضائیه، ۱ (۱۱): ۷۱ - ۹۴ قابل بازیابی از:

<https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/857957>

۱۶. فروغی، فضل‌الله. (۱۳۹۳). مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای تحقیقات مقدماتی ایران و آمریکا، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شیراز، ۵ (۱۴): ۱۲۲-۱۴۱. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/3355558>
۱۷. کلارک، جورج. (۲۰۱۶). خطوط اساسی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، انتشارات اداره برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی وزارت خارجه آمریکا.
۱۸. گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۸۹). بررسی عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۶ (۴۹): ۱۱۶-۱۳۲. قابل بازیابی از: <http://scj.sbu.ac.ir/index.php/researchejuridique/article/view/891>
۱۹. مهرا، نسرين. (۱۳۹۵). تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶ (۲۰): ۱۰۵-۱۴۰. قابل بازیابی از: http://jclr.atu.ac.ir/article_7834.html
۲۰. موسوی مقدم، محمد. (۱۳۹۱). حقوق ضابطین دادگستری، انتشارات حقوق امروز، چاپ اول.
۲۱. وروایی، اکبر. (۱۳۹۴). مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری، فصلنامه تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۷ (۲۸): ۲۱۱-۲۳۱. قابل بازیابی از: http://jlap.srbiau.ac.ir/article_9884.html
22. Clark.J (2010), Criminal Investigation: Reform of Police Procedures and Practices, Law Reform Commission, Port Louis, Republic of Mauritius.
23. Kirby.L (2018) procedural justice and police officers: the forgotten perspective. At Retrieved: <http://www.admin.cam.ac.uk/offices/proctors/constabulary>
24. Laurean.M (2006) effective administration of the police and prosecution incriminal justice. At Retrieved: <http://www.birmingham.gov.uk>
25. Lemmens.P (2000). the principle of equality of arms in criminal procedure, leuven (Belgium), leuven Univesity press. At Retrieved: <http://www.cityoflondon.police.uk/CityPolice>

26. Maurice.P (2015) -What matters in policing? Change, values and leadership in turbulent times (Policy Press). At Retrieved: <http://www.bia.homeoffice.gov.uk>

